

اخبار نمایش

فراخوان بیست و چهارمین جشنواره ملی تئاتر لاله‌های سرخ



رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: بیست و چهارمین جشنواره ملی تئاتر لاله‌های سرخ امسال با محور نقش تئاتر در ترویج الگوی اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی، گرمی داشت حماسه چهارم آذر روز مقاومت مردم اندیمشک، تکریم دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حماسه‌های مدافعان حرم بر گزار می‌شود. توجه به حفظ، ترویج و توسعه آداب، سنن، رسوم و باورهای بومی و توجه به مفاهیم والای انسانی، نفی تروریسم و خشونت و کوشش برای صلح جهانی از دیگر محورهای این جشنواره است. وی با بیان این که جشنواره تئاتر لاله‌های سرخ در بخش‌های صحنه‌ای و مهمان بر گزار می‌شود، افزود: بر اساس محتوا و کیفیت از آثار هنرمندان کشور در بخش مهمان استفاده خواهد شد ضمن این که در مجموع از هر کارگردان فقط یک نمایش به مرحله نهایی جشنواره راه می‌یابد. بازگیر گفت: بخش نمایش‌های صحنه‌ای این جشنواره به منظور اصالت‌بخشی به اهداف جشنواره با هدف پویایی و رقابت‌آفرینی در میان آثار پذیرفته بر گزار می‌شود. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اندیمشک مهلت ارسال آثار به این جشنواره را تا ۲۰ آبان ماه اعلام کرد و افزود: این جشنواره از پنجم تاهفتم آذرماه با حضور هنرمندان و مهمانان کشوری و استانی در اندیمشک بر گزار خواهد شد. جشنواره ملی تئاتر لاله‌های سرخ از جمله جشنواره‌های مطرح تئاتر کشوری است که هر سال به میزبانی شهرستان اندیمشک بر گزار می‌شود.

■ ■ ■

از «گذر هتک» تا «پهنه فرهنگی رودکی» و حریم تئاتر شهر



رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران با اشاره به این که طرح حریم مجموعه تئاتر شهر در حال آماده سازی است، تاکید کرد تلاش شورا بر این است تا مهر ماه سال جاری شرایط پیرامون تئاتر شهر تغییر کند. محمدجواد حق شناس رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران، درباره وضعیت اجرایی شدن طرح «گذر فرهنگ» بین تالار وحدت و مجموعه تئاتر شهر گفت: اولین گام این طرح در زمان تصویب بودجه سال ۹۷ در کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران در بهمن ماه سال گذشته برداشته شد و ما از دو عنوان در این طرح بهره گرفتیم؛ اولین عنوان «پهنه فرهنگی رودکی» است که چهار ضلع این پهنه شامل خیابان انقلاب، خیابان حافظ، خیابان نوفل لوشاتو و خیابان ولیعصر می‌شود و دیگر گذر نیست. وی ادامه داد: قبل از این بخشی از این پهنه به عنوان «گذر شهریار» مورد توجه و مطالعه قرار گرفته بود که عبارت بود از حدفاصل تالار رودکی تا بوستان دانشجو. این بخش مورد توجه مهم‌ترین بهره‌دار آن که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، قرار گرفته بود. وزارت ارشاد علاقه‌مند بود که بتواند ارتباط مناسبی بین مهم‌ترین ساختمان تئاتر کشور یعنی تئاتر شهر و مهم‌ترین ساختمان فرهنگی شهر که تالار وحدت است، برقرار کند. وی با بیان اینکه بازپیرایی و پیرایش منظر بیرونی بناهای مهم منطقه شروع شده است، افزود: با توجه به اهمیتی که انجمن فلسفه و حکمت برای ما داشت، کار را از آن جا آغاز کردیم و امیدواریم تا پایان سال فضای منطقه به گونه‌ای تغییر کند که برای شهروندان نیز محسوس باشد. در کنار این پهنه ۴ راسته هم تعریف شده: «راسته کتاب» از میدان انقلاب تا همین پهنه، «راسته صنایع دستی» از خیابان استاد نجات‌الهی تا خیابان انقلاب، «رسته نمایش» که خیابان لاله زار است و «راسته موسیقی» که سعی می‌کنیم این پهنه را متناسب با شأن مردم تهران مورد بهره‌برداری قرار دهیم.

هیچ در مقابل ۸۰۰ گرم گوشت!

نشد گارد نگیریم!

در سالن انتظار کوچک و تنگ «تئاتر مستقل» جمع شده‌ایم ومنتظر شروع نمایش هستیم که «سوسن پرور» در لباس راهبیه‌ها، که چه خوب هم به‌امی‌آمدا، از سالن نمایش بیرون آمد واز ما به‌خاطر این که پول ۸۰۰ گرم گوشت را داده بودیم و به تماشای آن نمایش رفته بودیم، تشکر کرد وخواست که در برابر این نمایش، «گارد» نگیریم، و هر جا که خنده‌مان گرفت، خود را رها کنیم و بخندیم.



می‌آمدا، از سالن نمایش بیرون آمد و از ما به‌خاطر این که پول ۸۰۰ گرم گوشت را داده بودیم و به تماشای آن نمایش رفته بودیم، تشکر کرد. سوسن پرور از ما، که با دیدن او، کمی هم ذوق زده شده بودیم، خواست که در برابر این نمایش، «گارد» نگیریم، و هر جا که خنده‌مان گرفت، خود را رها کنیم و بخندیم. سوسن پرور به ما گفت که باین اوضاع نابسامان، طبیعی است که نمایش آن‌ها نه پوستر داشته باشد و نه بروشور! سوسن پرور از ما خواست که بعد از دیدن نمایش، برویم و برای این نمایش، تبلیغ کنیم! خوب... و تو که تنوی ذهنت مدام داشتی با حرف‌های سوسن پرور کلنجار می‌رفتی و آن‌ها را زیر و رو می‌کردی، بالاخره به این نتیجه رسیدی که به احتمال قوی، اشتباه انتخاب کرده‌ای، ولی حالا برو ببین چه می‌شود.

انتظار توبه‌عنوان تماشاچی چه بود؟ این بود که با لحظات آخر زندگی یک دیکتاتور عاشق مواجه شوی. این لحظات را درک و احساس کنی. اصلا «دیکتاتور عاشق»؟! این عنوان دهان پر کن و بر طمطراق، تو را تا به آن جا، تا به آن نمایش کشانده‌بود. اما در نهایت، تو ناچار شدی به توصیه‌های ابتدایی «سوسن پرور» پیش از شروع نمایش، اکتفا کنی، سری از روی ناچاری تکان بدهی و بگویی: خوب.. باشد، چه کار می‌شود کرد! در سالن انتظار کوچک و تنگ «تئاتر مستقل» جمع شده‌ایم و منتظر شروع نمایشیم که «سوسن پرور» در لباس راهبیه‌ها، که چه خوب هم به او

چیزی ندارد که به‌توبدهد. پس بنشین، از موسیقی نوستالژیک و برخی حرکات موزون، لذت ببر و گاهی هم در کف و دست زدن تماشاچیان، مشارکت کن. اصلا نگران کن که به تماشای یک نمایش روح‌وحسی آمده‌ای! چه عیبی دارد؟ قرار نیست که مدام از این سالن نمایش به آن سالن نمایش بروی و خودت را با تماشای آثار و نمایش‌های وزین و بر طمطراق خفه کنی! ذهن گاهی به این شل و رها کردن‌ها نیاز دارد؛ به‌خودت استراحت بده! و از شما چه پنهان، که به توصیه سوسن پرور، کمی تا قسمتی عمل کرده و خندیدیم. گرچه، گاهی سرخ و سفید هم شدیم. گاهی چندش‌مان شد. گاهی حوصله‌مان سر رفت و کلا توی ذوق‌مان خورد.

علی‌رغم آن‌چه که اصغر خلیلی، نویسنده و کارگردان نمایش در برخی مصاحبه‌ها گفته، که این نمایش، یک نمایش کم‌دی - سیاسی است و قصد او نگاهی طنز به مسئله هیتلر و جنگ و...، اما تو با این‌ها مواجه نمی‌شوی. آیا توانست نوید یک «عروسی» باشد که ما ناغافل به آن دعوت شده بودیم. اما داستان این‌طوری پیش نرفت و در نهایت طوری شد که ما هم مثل تمام وزن نمایش بسر دوش این دونفر است و چنین بود که به درک «گارد نگرفتن» ناائل شدیم. باید خود را رها می‌کردیم و شل می‌گرفتیم: نمایش

باید خود را رهای می‌کردیم و شل می‌گرفتیم: نمایش چیزی ندارد که به‌توبدهد. پس بنشین، از موسیقی نوستالژیک و برخی حرکات موزون، لذت ببر و گاهی هم در کف و دست زدن تماشاچیان، مشارکت کن

اصلا ی کاش به جای این مردان زن پوش که آمده بودند برای عروسی هیتلر بنوازند، از موضوع دیگری استفاده می‌شد تا مدام «رکستر زنان آشویتس» در ذهن تو نچرخد و هی به خودت نوبندهی که شاید، شاید بشود نشانی از آن اثر باشکوه آر تو میلر در این نمایش بیایی. آیا این زن قرمزپوش، با آن شکم برآمده قرار بود چه‌های از «فانیا فنه لون» باشد؟ فنه‌لونی که ناچار شده بود آن صدای آسمانی‌اش را درآرد و گاه آشویتس طنین انداز کند؟ تو با خودت هی واگویم می‌کردی که کاش چنین نباشد... اما چنین بود، و خلیلی چه‌گریز ضعیف و بی‌مایه‌ای به این اثر باشکوه زده بود و آن را از ریخت انداخته بود!

خروج از محدوده‌های زبانی! بعضی‌ها، معتقدند که می‌شود به‌صورت نه‌چندان آشکار و تا حدودی تلویحی، از شوخی‌های جنسی، در یک اثر نمایشی هنری استفاده کرد. این بعضی‌ها معتقدند که در یک کار

کم‌دی، چنین شوخی‌هایی به هر حال اجتناب‌ناپذیر است، چرا که از ازل، مسائل جنسی، در عین این که تابو بوده‌اند، موادی برای توهین و مضحکه هم بوده‌اند، عناصری بوده‌اند برای به خنده واداشتن دیگران، احتمالا در جایی که دیگر هیچ ایزهای مردم رانمی‌خنداند! تا این جای کار را می‌توان هم تحمل و هم قبول کرد. اما با اشاره‌های مستقیم و رفتارهای نامتعارف در این زمینه چه باید کرد؟ آیا با توجه به فرهنگ و اعتقادات و رفتارهای اخلاق‌مدار، حتی در میان یک جمع کوچک حسی و حاضر که دارند به‌طور زنده، نمایشی را تماشا می‌کنند می‌توان به چنین رفتارهای علنی جنسی، آویزان شد و از تماشاچی، خنده گرفت؟ آیا می‌توان رفتارهای فضاحت آمیز جنسی را با استفاده از تعبیر «هم‌خوابگی مقدس» که از ادیان بین‌النهرین باستان، وام گرفته شده، تطهیر کرد؟

نامیدن شخصیت سرباز نمایش با الفاظی جنسی، استفاده از حرکات تداعی‌کننده عمل جنسی و یا استفاده از کلماتی که بار جنسی دارند، از آن دست‌مایه‌هایی بودند که می‌توانستند در صورت استحکام و قدرت‌مندی اسکلت نمایشنامه، به‌طور متعارف و مناسب، جای خود را پیدا کنند و چنین زنده و بولد به نظر نیابند. اما، متن چنان دم دستی، و بدون هیچ چهارچوب و اسکلت‌بندی بود که در نهایت چیزی که دست تماشاچی را می‌گرفت، همین لفاظی‌ها و حرکات نامناسب بود. اشاره به ویدئوها و صداها، در رابطه با زنان و مردان موعظه‌گری که اخیرا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده نیز مزید بر علت بود تا مردم را بخندند. اما استفاده از مواردی این‌چنینی که در نهایت شامل مرور زمان می‌شوند و در خارج از این محدوده زمانی، و بینندگان آن‌ها، دیگر معنایی نخواهند داشت، اثر را از اصالت تهی می‌کند، و بر خلاف آن‌چه خلیلی تصور کرده، به آن بعد تاریخی نمی‌بخشد! آن‌چنان بعد تاریخی که مادر «ارکستر زنان آشویتس» می‌بینیم.

اصلا ی کاش به جای این مردان زن پوش که آمده بودند برای عروسی هیتلر بنوازند، از موضوع دیگری استفاده می‌شد تا مدام «رکستر زنان آشویتس» در ذهن تو نچرخد و هی به خودت نوبندهی که شاید، شاید بشود نشانی از آن اثر باشکوه آر تو میلر در این نمایش بیایی

اشارات موفق نبودند! اشاره به تابوهای پریودیک جنسی در این نمایش، با توجه به نمایشنامه ضعیف و سطحی آن، طنزی را پدید آورد که بی‌تردید می‌توان اذعان کرد که چنین اشاراتی صرفا برای گیشه پسند کردن کار، استفاده شده‌اند. در باز خلق فضا و ساختار روابط و نیز مکان و زمان رایش سوم، توفیق چندانی به دست نیامده بود؛ و این نه تنها به نمایشنامه و بازی ضعیف بازیگران، بلکه به‌دکور نداشته نمایش نیز مربوط می‌شد. که جز علامت اس‌اس، و یک روی ا رتشی هیچ اشاره خاصی به رایش و افسران و زمان جنگ جهانی دوم نشده بود. شخصیت‌ها تاریخی نبودند، بی‌شناسنامه بودند و نامربوط به تعریفی که نمایش برای‌شان در نظر گرفته بود.

استارتاری که در رابطه با گروه‌های سیاسی و سودجویی آن‌ها از مردم جامعه امروز ایران، به‌ویژه در ۱۵ دقیقه انتهایی نمایش طرح شدند، عمق و تناسب لازم را نداشتند و عملا دلی از کسی خنک نکردند! ما فقط کمی خندیدیم. خندیدیم و سرخ و سفید شدیم وقتی که راهبه با ژنرال به اتاقش رفت و رفت بر تماشاچیان، آن‌چه که نباید می‌رفت. ما فقط کمی خندیدیم و وقتی از سالن نمایش بیرون آمدیم، از خود و دیگران پرسیدم که راستی این نمایش چه‌می‌خواست بگوید؟

و جواب درنداک بود: هیچ! هیچ! هیچ در مقابل ۸۰۰ گرم گوشت!



بادداشت

نایل شوند و همواره در مدیریت بحران‌های زندگی، رفتارهای اجتماعی ضعیفی را از خود بروز می‌دهند و احساس عدم اعتماد به دیگران در آنها رشد می‌کند. به همین ترتیب پیرو مطالب ذکر شده و اهمیت جایگاه دوران کودکی در شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد، روانشناسان و متخصصین رواندرمانگر همواره بر اهمیت این دوران به خصوص پنج سال اول زندگی کودکان در فرآیند شکل‌گیری شخصیت در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی، هیجانی، جنسی و بین فردی و همچنین شیوه‌ها و الگوهای فرزندپروری که والدین برای تربیت کودکانشان به کار می‌برند تاکید می‌کنند.

متخصصین روانشناس در همین راستا نیز توصیه می‌کنند، والدین باید روابط صمیمانه ایمنی را با فرزندانشان داشته باشند؛ چراکه اصولا تمام رفتارهای دوران نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و دیگر دوران‌های زندگی، چه اجتماعی باشد و یا ضدا اجتماعی، همگی در نتیجه‌ی تجربیات گذشته‌ی مربوط به دوران کودکی بوجود می‌آید. به همین علت ضروری است پدران و مادران بر روی رفتار خود نظارت و مدیریت داشته باشند چراکه در اثر غفلت، با فرزند کج رفتار مواجه می‌شوند. بر همین اساس والدین برای آنکه در مسیر تربیت و پرورش فرزندان عملکرد بهتری داشته باشند می‌توانند از کمک کارشناسان روانشناس نیز برای ارائه‌الگوهای مناسب و مطلوب به فرزندان‌شان بهره‌برند.

وجود پدر و دستان نواز شرگش در دوران کودکی بهره می‌برد، می‌توانست به جای هیولای قرن بیستم شدن، به فردی عادی و معمولی تبدیل شود و مسیر دیگری را در زندگی در پیش بگیرد. از اینرو با زبانی ساده می‌توان گفت دوران کودکی سخت و طاقت‌فرسای هیتلر، عدم پذیرفته شدن از جانب پدر، فقر شدید مالی، بی‌توجهی و نادیده گرفته شدن استعدادها و توانایی‌های وی در زمینه موسیقی، نقاشی و هنر، اخراج او از موسسه هنرهای زیبا و پذیرفته نشدنش در جامعه همگی در زمره عوامل مهمی هستند که دست‌به‌دست‌هم دادند تا هیتلر خشم، کینه، انتقام‌جویی و حسادت را جایگزین خلاهای درونی‌اش کند و به‌اثر یمن قرن بیستم تبدیل شود.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی و همچنین باتوجه به مطالب ذکر شده، روانشناسان معتقدند تجربه‌های ترومای سخت و طاقت‌فرسا، ضربه‌های احساسی و عاطفی دوران کودکی نقش بسیار مهمی در پرورش و رشد شخصیت کودک دارد و باتوجه به شدت آسیب‌ها، می‌تواند اثرات مخرب جبران‌ناپذیری بر شخصیت کودکان و همچنین دیگر دوران‌های زندگی فرد در بزرگسالی بر جای بگذارد؛ کودکانی که در معرض تجربیاتی همچون شکست، رانده شدن و محروم ماندن از توجه و حمایت والدین، ناکامی، فقر، طلاق والدین، آزار و اذیت جنسی و مشکلاتی از این دست قرار می‌گیرند، هرگز نمی‌توانند به بلوغ روحی و روانی متعادلی